

مطالعات اسلامی در علوم انسانی طی فرآیندی چندمرحله‌ای ظهور می‌کند

رئیس میز تخصصی توسعه و توانمندسازی علوم اسلامی اظهار کرد: مطالعات اسلامی یا علوم اسلامی یعنی یک شاخه یا رشته‌های علمی که هدف یا مأموریت‌شان کشف اسلام است.



رئیس میز تخصصی توسعه و توانمندسازی علوم اسلامی اظهار کرد: مطالعات اسلامی یا علوم اسلامی یعنی یک شاخه یا رشته‌های علمی که هدف یا مأموریت‌شان کشف اسلام است.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام والمسلمین مجتبی الهی خراسانی، رئیس میز توسعه و توانمندسازی علوم اسلامی در پیش نشست تخصصی همایش مطالعات تربیتی، با موضوع تربیت اسلامی در کشاکش رشته‌ها و روش‌ها به تبیین مفاهیم اساسی مطالعات اسلامی و چالش‌های پیش روی آن پرداخت.

در ذیل خلاصه‌ای از مطالب مطرح شده در این نشست می‌آید:

در حوزه مطالعات تربیت که معمولا تربیت اسلامی می‌نامیم، نوعی سرگشتگی و ابهام وجود دارد که بخشی از آن به دلیل عدم ایضاح مفهومی است. مفاهیم پایه‌ای تربیت اسلامی چندان شناخته شده و مورد توافق نیست. بخش دیگر این ابهام به صورت بندی تحقیق در تربیت اسلامی برمی‌گردد که وابستگی تحقیق به این که تحقیق در چه دانش یا گروه دانشی و با چه روشی صورت می‌گیرد، مورد غفلت واقع می‌شود.

برخی چنین می‌پندارند که هم اکنون رشته‌های علمی به نام تربیت اسلامی تأسیس شده که مستقل از همه علوم اسلامی و علوم انسانی شناخته شده است. این، یعنی مطالعات اسلامی تربیت، نه نیازمند فقه است و نه فلسفه و نه علوم تربیتی، بلکه خود، هویتی مستقل دارد. با این مفروض نادرست، پرسش‌های لازم و بنیادین درباره چپستی و روش تحقیق در تربیت اسلامی مطرح نمی‌شود تا پاسخ داده شود؛ زیرا تربیت اسلامی موجودیتش بدون این که اثبات شده باشد مسلم انگاشته می‌شود. لذا در حوزه علوم انسانی هم این پرسش را مطرح نمی‌کنیم که مطالعات اسلامی در حوزه تربیت به کدام یک یا چند رشته از علوم انسانی مربوط است.

این عدم طرح پرسش و پاسخ، به پدیده فقر مطالعاتی منجر می‌شود؛ و از این رو کتب و مقالاتی که به این پرسش‌ها از دانش و روش می‌پردازد، بسیار محدود است.

از طرف دیگر تحقیق وابسته به روش بوده و تا قبل از دهه اخیر تفتن به اهمیت روش در تحقیقات تقریبا مشاهده نمی‌شود. لذا پایان نامه‌ها و رساله‌هایی هم که نوشته می‌شود غالبا مشکل روش دارند، حال آن که اعتبار هر تحقیق علمی به روش مندی آن است.

آیا مطالعات اسلامی در حوزه تربیت ممکن است؟

مطالعات اسلامی در دو معنا می‌تواند به کار رود:

۱- مطالعات و تحقیقاتی که در علوم اسلامی - به معنای اخص - مربوط به تربیت انجام می‌شوند، مانند فقه تربیت و فلسفه تربیت و ... با تصور این معنا، روشن است که مطالعات اسلامی در حوزه تربیت ممکن است زیرا تربیت هم امری انسانی است و هم جنبه‌ای درونی و جوانحی دارد.

۲- علوم که به معنای الاخص جزء علوم اسلامی محسوب نمی‌شوند، بلکه «غیرعلوم اسلامی» هستند. این دسته تنها در صورتی می‌توانند مطالعاتی اسلامی انجام دهند که دو مرحله ذیل را اعمال نمایند:

مرحله نخست آن که ایده‌ها، فرضیه‌ها و مفاهیمی به عنوان پیش‌علم از متون اسلامی گرفته شود و در حوزه علوم انسانی به روش همان علوم انسانی بازتولید شود.

مرحله دوم بدین صورت است که مفاهیم و تک‌گزاره‌ها، خشت به خشت به حجمی برسند که اگر روی مبانی معینی

استوار شوند، یک نظریه تولید شود که می شود از آن به «نظریات اسلامی تربیت» تعبیر کرد. در ادامه، اگر این نظریات افزایش و تراکم پیدا کرد، ممکن است یک مکتب علمی درون همان علم از علوم انسانی، با پسوند اسلامی شکل بگیرد.

برخی گفته اند پیشنهادی برای دست یافتن به مرحله اول و دوم وجود دارد، که ما نام آن را «فاز صفر مطالعات اسلامی تربیت» می گذاریم. معنای آن این است که مطالعات اسلامی گرچه ممکن است، اما در علوم انسانی حال حاضر چنین چیزی وجود ندارد. پس فاز صفر باید با نگاهی ویراستارانه و تا حدی شخصی، آن بخشی از گزاره ها، نظریات و مبانی و تکنیک ها و روش هایی را که با اسلام و یا آموزه های اسلام ناسازگار است در عمل مسکوت بگذارد و متوقف کند. در این فاز صفر برای حرکت به سمت مرحله اول نیاز به راهی انتقالی است که شخصی نباشد و آن «رویکرد انتقادی» است. البته رویکرد انتقادی در علوم انسانی، «مطالعات اسلامی» نیست، و غالباً از درون خود علوم انسانی تغذیه می کند.

در هر صورت، مطالعات اسلامی در علوم انسانی، در فرآیندی چند مرحله‌ای ظهور پیدا خواهد کرد و جوانه خواهد زد و امری دفعی و قصری نیست، بلکه تدریجی اتفاق خواهد افتاد.

چالش های پیش روی مطالعات اسلامی

نخستین چالش پیش رو پاسخ به این پرسش است که آیا مطالعات اسلامی در علوم انسانی ممکن است؟ دومین چالش این است که اکنون که مطالعات اسلامی در علوم انسانی در هر دو مرحله اش تقریباً وجود ندارد، تکلیف روان شناسان و عالمان تربیت دینی مسلمان چیست؟

سومین چالش این است که مطالعات اسلامی تربیت به لحاظ تبار علمی به کدام رشته تعلق دارد؟ پاسخ این است که به یک رشته تعلق ندارد، بلکه به علوم اسلامی از قبیل: کلام، اخلاق، فقه، فلسفه، علوم قرآنی و علوم حدیث، و از طرف دیگر هر کدام از علوم انسانی که حوزه مأموریت شان به تربیت مربوط است از قبیل روانشناسی و فلسفه اخلاق و ... تعلق دارد.

چالش چهارم این است که اصحاب علوم انسانی مخالف ورود مقولات دینی به حوزه مطالعات تربیت هستند، چه در علوم اجتماعی و چه علوم تربیتی و روانشناسی و حتی در فلسفه اخلاق. البته در مقابل این گروه، گروه هایی فعال هستند مثل پسانتبات گراها و

چالش پنجم این است که حال که مشخص شد مطالعات اسلامی به چند رشته مربوط است، مداخله یک رشته کافی نیست، نه در حوزه علوم اسلامی و نه در حوزه علوم انسانی و اگر کسی بخواهد تک رشته ای کار کند احتمالاً تصویری ناقص از نظریات اسلامی در حوزه تربیت حاصل خواهد شد و در غرب هم حداقل سه دهه زمانی است که معلوم شده مطالعات تک رشته ای مجزبه به تصویری ناقص از پدیده ها می شود.

چالش ششم هم برآیند چالش های قبلی است یا به عبارتی چالش «روش» است. قدم هایی که برای توسعه مطالعات اسلامی در حوزه تربیت آغاز می شود، بیش از همه باید در حوزه روش به محققان کمک کند.

نحوه تعامل رشته ها با یکدیگر

نحوه ارتباط رشته ها با هم و ترکیب آن ها برای تحقیق به چند صورت ممکن است: چندرشته‌ای یعنی یک موضوع را در چندرشته مطالعه کنند. همه علوم اسلامی را با هم، علوم اسلامی با علوم انسانی، یا علوم انسانی با هم صورت چندرشته‌ای متعددی پدید می آورد. اما گاهی بحث با چندرشته‌ای حل نمی شود و حتی در مقام مقایسه هم آورده تازه ای ندارد، لذا تحقیقات میان رشته‌ای پدید می آید. یعنی در حل مساله همزمان از دو روش به صورت ترکیبی استفاده شود و نتیجه نیز اصلاح شود. لازمه این کار سنجیدن ارتباطات بین روش ها است. در حال حاضر فرارشته‌ای هم پدید آمده است که وابسته به رشته خاصی نیست و نوابسته و بعید است به این زودی در مطالعات اسلامی تربیت، به کار رود. کد خبر